

موارد، پژوهشگران نیز در تشخیص و تفکیک این دوره دچار اشتباه می‌شوند. بهترین مثال آرامگاه‌های برجی مراغه است که با وجود داشتن کتیبه سلجوقی، به خطا ایلخانی معرفی شده‌اند.<sup>(۱)</sup>

البته این سوء تفاهم بیشتر به آن علت است که معماری دوره سلجوقی در زمان ایلخانان به شدت پیگیری شده است. از قرن هشتم تا کنون درباره این بنا در متون تاریخی مطالبی نوشته شده است، این مطالب بیشتر در توصیف ظاهر بنا است و متأخرین نیز بیشتر همان سخن پیشینیان را تکرار کرده‌اند. ما در اینجا بطور اختصار برای روشنتر شدن موضوع به برخی اشاره می‌کنیم:

۱- «محمودبن محمدبن اقسرای» یکسال قبل از مرگ تاج‌الدین علیشاه از این مکان دیدن نموده و می‌نویسد:

«مسجد جامعی در تبریز اساس نهاد که غیر از مسجد جامع دمشق مثل آن در جهان نیست.» بنا بر این مسجد در حال ساختن بوده است.<sup>(۲)</sup>

بنای موسوم به ارگ علیشاه در مرکز شهر تبریز قرار دارد و چون کوهی از آجر به عنوان اثری بی‌نظیر و بحث‌انگیز در معماری قرن هشتم تا کنون مورد توجه بوده ولی برای شناسایی این بنا و بانی آن تا کنون دقت و مطالعه کافی نشده است. زیرا حوادث و پیش‌آمدهایی از بدو احداث (مانند خراب شدن سقف آن یا وقوع زلزله) بنا را دچار چنان دگرگونی کرده است که موجب گردیده بیشتر نویسندگان به آنچه پیشینیان در این مورد نوشته‌اند، بسنده کنند.

روایات بی‌اصل و اساس نه تنها در مورد این بنا بلکه در شرح زندگی و هویت تاج‌الدین علیشاه آمده است که بیشتر افسانه‌آمیز می‌باشد. اما نتایج مطالعه کاوشهای باستانشناسی که در مدت دو ماه در سال ۱۳۵۰ هـ.ش. در این مکان به سرپرستی «نگارنده» انجام گرفته است خلاف قضاوت و نوشته‌های گذشتگان را ثابت می‌کند. فی‌المثل از نظر مقایسه و مطالعه ابنیه تاریخی و اماکن مقدسه بویژه طرح مساجد اولیه تا زمان ایلخانان طرح و نقشه چنین مسجدی دیده نشده است. یعنی نه بصورت تالار ستوندار مساجد صدراسلام است و نه ادامه تغییر شکل مساجدی که بصورت چهار ایوانی بعداً تجلی می‌کنند تا بتوان تعیین کرد که ارگ علیشاه در واقع یک مسجد است.

تا امروز بر پایه اسناد و مدارک مکتوب، این بنا از بدو احداث به نام مسجد یا جامع علیشاه معرفی شده است، اما در این باره که چرا طرح و نقشه این بنا در آغاز حکومت ایلخانان یکباره تغییر شکل یافته و با این خصوصیات معماری ساخته شده است، چیزی نوشته نشده است. اگر چه عظمت این بنا بیشتر یادآور ارگ حکمرانان است و نه یک مسجد یا بنایی مذهبی، اما در تحول غیر منتظره معماری ارگ علیشاه که سنت ساختمان مساجد دوران سلجوقی را بکلی دگرگون کرده باشد چیزی دیده نمی‌شود. مثلاً در بیشتر بناهای ایلخانی همچنان ویژگیهای معماری بناهای دوره سلجوقی اعم از نقشه بنا، کاربرد مصالح، تزئینات کاشیکاری، گچبری، استفاده از آجرهای تراشدار و کتیبه‌های کوفی

تزئینی دیده می‌شود تا آنجا که در نگاه

نخست به سختی می‌توان یک بنای

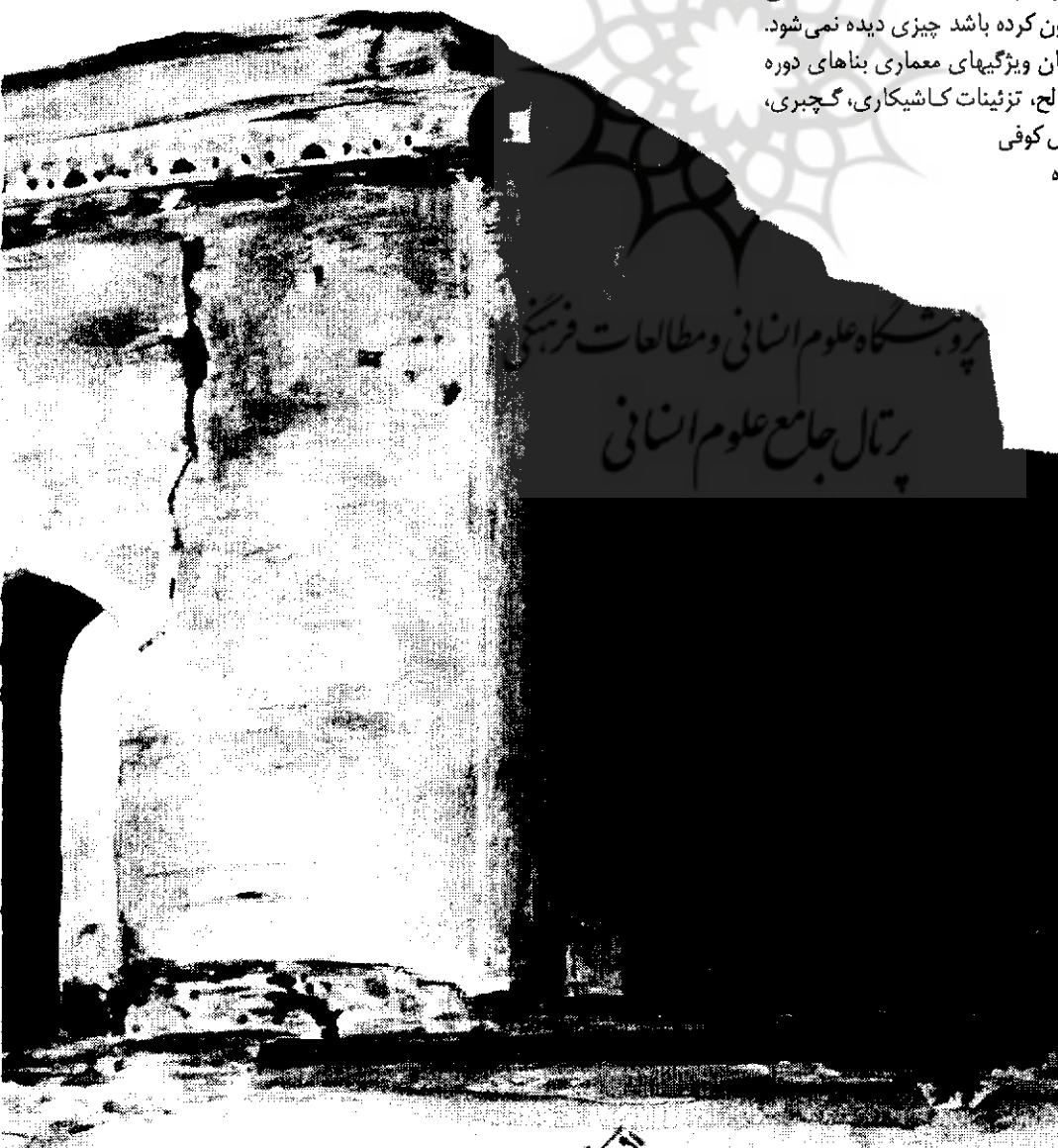
ایلخانی را از بنای

سلجوقی تمیز داد.

در بسیاری

## تحلیل روایات

# تاریخی جامع



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مركز باستان‌پژوهی  
مركز باستان‌پژوهی  
مركز باستان‌پژوهی

می‌نویسد: (۵)

«خواجه علیشاه جیلانی در شهر تبریز در خارج محله میارمیار مسجد جامع بزرگی ساخته که صحنش ۲۵۰ گز در ۲۰۰ گز و در اوصاف بزرگی از ایوان کسری به مدائن بزرگتر، اما چون در عمارتش تعجیل کردند سقف آن فرود آمد. در آن مسجد انواع تکلفات بهم رسانیده و سنگ مرمر بی قیاس در آن بکار برده شده و شرح آن را زمان بسیار باید».

باز هم می‌بینیم با اینکه سقف فرود آمده است ولی موضوع تزئینات و تکلفاتی که ابن بطوطه درباره مدرسه کرده بود توسط حمداله مستوفی از این زمان آغاز شده است. و از آن به استناد همین نوشته‌ها در مورد مسجد مطالب زیادی نوشته می‌شود. مثلاً «بدرالدین محمود عینی» (متوفی در ۸۵۵هـ.ق.) در کتاب عقدالجهان می‌نویسد:

«طاق نوک تیز محراب بوسیله دو ستون مسی اندلسی نگهداشته و قاب محراب با طلا و نقره نقاشی شده بود. چراغهای مزین به سیم و زر با زنجیرهای مسی از سقف آویزان بودند و داخل اطاق را روشن می‌کردند».

دنایای تخیلی و نوشته‌های اغراق‌آمیز بدرالدین محمود عینی و دیگران یکسال بعد یعنی در سال ۸۸۶هـ.ق. در زمان حکومت سلطان یعقوب آق‌قویونلو توسط تاجری ونیزی که به تبریز مسافرت کرده است به گونه‌ای ماهرانه با دیدن سقف فرورویخته مسجد بازگو می‌شود. او می‌نویسد:

«جامع علیشاه، بلندترین بناهای تبریز و دارای صحن بزرگی است. مسجد را به حدی زیبا ساخته‌اند که زبان من از وصف آن عاجز است، دوروبر آنرا با سنگهای نفیس طاق‌بندی کرده‌اند و طاق بزرگی بر روی ستونهایی از مرمر قرار دارد و مرمر به اندازه‌ای ظریف و شفاف است که به بلور نفیسی می‌ماند» (۶).

اینک نوبت به مورخ منصف‌تری به نام «کاتب چلبی» می‌رسد که همراه با سلطان مرادخان چهارم عثمانی در سال ۱۰۴۵ هجری قمری به تبریز آمده است و در کتاب جهان‌نمای خود در این مورد می‌نویسد: (۷)

«وزیر تاج‌الدین علیشاه، در محله میارمیار تبریز مسجد عظیمی بپا کرده که بزرگتر از ایوان کسری است و صفه‌ای دارد و حمداله مستوفی در نزهت‌القلوب شرح این جامع را مفصلاً نوشته است لیکن

۲- یکسال پس از مرگ تاج‌الدین علیشاه یعنی ۷۲۵هـ.ق. «ناصرالدین منشی کرمانی» در تاریخ وزراء می‌نویسد:

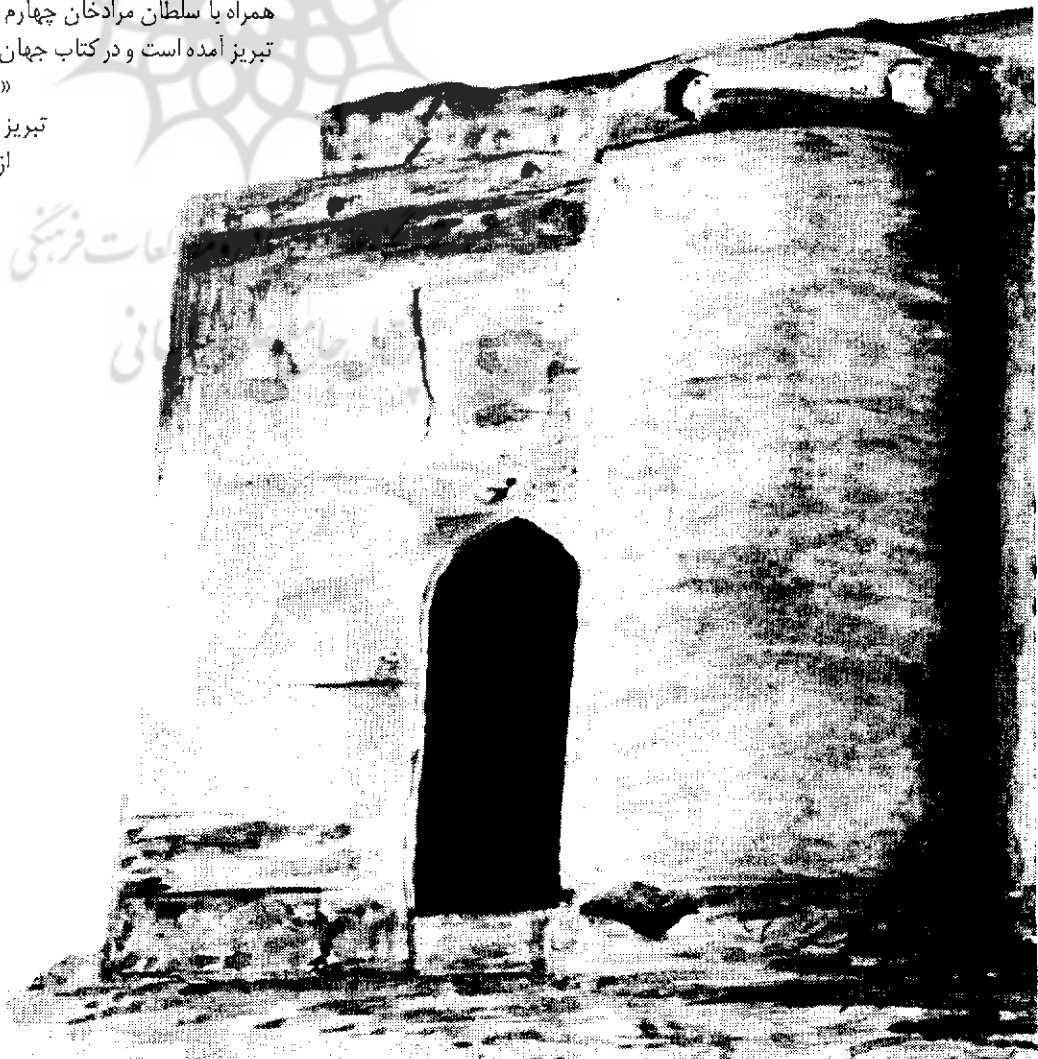
«تاج‌الحق والدین خواجه علیشاه مدرسه‌ای مینونمای رفیع خلداسا بنا فرمود به انشای مسجدی عالی رفیع رواق که در اقطار آفاق اگر تمام شدی طاق نمودی اشارت راند» (۳).

۳- دو سال بعد در سال ۷۲۷هـ.ق. در زمان سلطان ابوسعید بهادرخان، «ابن بطوطه» سیاح و جهانگرد مراکشی در سفر به تبریز از تکلفات بی‌قیاس و تزئینات مدرسه مینونمای آن مکان یاد می‌کند و می‌نویسد: «به مسجد جامعی رسیدیم که وزیر علیشاه معروف به جیلان آنرا بنا کرده و در بیرون مسجد، در دست راست، رو به قبله، مدرسه‌ای و در طرف چپ زاویه‌ای که صحن آن با سنگهای مرمر فرش شده است و دیوار آن کاشیکاری بود، وجود داشت. این کاشیها صاف و لغزنده بودند» (۴).

۴- «حمداله مستوفی» در نزهت‌القلوب به سال ۷۴۰ هجری

علی اکبر سرفراز

# علیشاه تبریز



کاشی یا پوششی دیگر محسوب داشت. ایوان تابالای کف اصلی از خرابه‌های بنا پر شده است بطوری که اثری از ازاره دیده نمی‌شود ولی احتمال می‌رود که ازاره اطاق از سنگ مرمر یا تراش بوده است یا ممکن است که سطوح دیوارهای داخلی با گچ سفید کاری شده بود ولی احتمال قوی‌تر آنست که روی آنها پارچه بافته آویزان می‌کردند. جوان مصری گزارش می‌دهد که چراغهایی که با طلا و نقره تزئین شده و از زنجیر مسی آویزان بوده‌اند داخل اطاق را روشن می‌کردند و اضافه می‌کند که هر پنجره مشبک بیست قطعه مدور شیشه مزین به طلا و نقره داشته است. اشارات متعددی که به مناره‌های ساختمانی و سه درگاه آن شده است نه دقیق است و نه روشن، ممکن است در بالای هر دیوار، کنار ایوان یک مناره وجود داشته است مانند سردری در قم و سردر خانقاه نطنز و سردر مسجد نظامیه در ابرقو و سایر ابنیه این دوره یا اینکه برآمدگی نیم‌دایره پشت محراب ایوان ممکن است پایه یک مناره بلند بوده است. جوان مصری اظهار می‌دارد که مسجد دو مناره یا برج داشته است ولی محل این برجها یا مناره‌ها را ذکر نمی‌کند. ممکن است قسمت فوقانی آنها سقوط کرده و قبل از مسافرت شاردن پایه‌های آنها را صاف کرده باشند [۱۲].

در صورتیکه شاردن گفته بود بنای مسجد علیشاه دارای مناره‌هایی است؛ یعنی حداقل دو مناره و همچنین آقای ویلبر منکر دیوار حاجب جلوی ایوان در طرح شاردن می‌شود و می‌نویسد وجود چنین دیواری بر خلاف نمونه‌های شناخته شده و خلاف سبک میراث مربوط به این نوع است. (اینک به دو کتاب دیگر که در سالهای اخیر در مورد جامع علیشاه انتشار یافته نیز توجه می‌کنیم.

۱- کتاب «تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری»، تالیف مرحوم دکتر محمدجواد مشکور، که در صفحات ۴۹۸ تا ۵۱۱ آن کتاب در مورد خواجه علیشاه و مسجد او مطالب نویسندگانی که ذکر آنها در این مقاله شد چاپ شده است.

۲- کتاب «آثار باستانی آذربایجان آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز» تالیف مرحوم عبدالعلی کارنگ که در صفحات ۲۴۰-۲۶۱ در مورد مسجد تاج‌الدین علیشاه همان مطالب درج شده است. (۱۳)  
نویسنده مقاله دیگری در مورد مسجد تاج‌الدین علیشاه که در شماره ۱۲۲ آذرماه ۱۳۵۱ مجله هنر و مردم در صفحه ۴۱ درج شده مدعی شده است که راهی درشکه‌رو از زیر ارگ علیشاه به مسجد کیود وجود داشته که در موقع فرار مورد استفاده بوده است.

اما تنها بنائی که فعلاً بصورت مستند می‌شناسیم همین بنای مورد بحث می‌باشد که بر طبق مطالعات و تحقیقاتی که از نظر معماری و کاوشهای باستان‌شناسی بعمل آمده است، می‌توان گفت تاج‌الدین علیشاه پس از نیل به مقام وزارت تصمیم می‌گیرد قیافه عمارتی عظیم و ناتمام را دگرگون کند و به اتمام برساند. یا بهتر است گفته شود که تاج‌الدین علیشاه جیلانی می‌کوشد که با استفاده از موقعیت عمارتی رفیع و ناقص و با ایجاد ایوان در جنوب آن عمارت و تغییراتی که در آن می‌دهد بنای مذکور را بصورت سمبل یک بنای مذهبی درآورد که به علت اهمیت خاص معماری و سبک ساختمانی و طرح و نقشه آن، بویژه عظمت آن، مورد توجه فراوان قرار گرفته است و اکثر جهانگردان و نویسندگان و محققان از قرن هشتم هجری تا کنون ضمن بازدید از این بنا به توصیف ظاهر آن پرداخته‌اند و برخلاف سایر الحاقات بنا که در اثر زلزله و دیگر حوادث ویران شده‌اند، این بخش همچنان پابرجاست.

اما آنچه که کاوشهای باستان‌شناسی سال ۱۳۵۰ به سرپرستی نگارنده درباره ماهیت ارگ تبریز ارائه دادند، چکیده آن به شرح زیر می‌باشد:

الف: پلان این بنا در مقایسه با پلان مساجد صدراسلام و پلان مساجد دوران سلجوقی و مابعد آن شگفت و بی‌سابقه است.

حالیه به همان اوصاف مذکور نیست». او اضافه می‌کند که مسجد جامع علیشاه مناره‌های بزرگی داشته است که بر اثر زلزله‌های متعدد و حملات قشونها و پیکارها نابود شده‌اند. و می‌افزاید که تنها یک قسمت از بقیه بنا خراب شده که عبارتست از طاق عالی مسجد جامع ولی صفا آن باقی مانده است.

پس از گذشت ۳۹ سال از دیدار این مورخ ترک، «ژان شاردن» جهانگرد فرانسوی در زمان شاه سلیمان به تبریز آمد و در سیاحت نامه خود در مورد این مسجد می‌نویسد: (۸)

«مسجد در زمان تاج‌الدین علیشاه جیلانی وزیر سلطان محمد خدابنده و سلطان ابوسعید بهادرخان ساخته شده بوده است و چهارصد سال تماماً ویران مانده است و از روی باقیمانده‌های این بنا معلوم می‌شود که در ساختن آن مهارت و استادی خاصی بکار رفته است». شاردن از تعمیر مناره‌های آن نیز یاد کرده است ولی جای آن را مشخص نمی‌کند.

هنگامی که تبریز دارالسلطنه و مقر حکومتی ولیعهدان قاجار می‌شود مسجد علیشاه تبدیل به دژ و مخزن مهمات قشون قاجار می‌گردد. نادر میرزای قاجار در کتاب «تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز»، شرح می‌دهد که اینجا انبار مهمات و غلات قشون است و نیز با استفاده از نوشته‌های دیگران همان توصیف گذشته درباره مسجد را شرح می‌دهد ولی نوشته‌های نادر میرزا نشان می‌دهد که ضمن تخریب خانه‌های پشت دیوار سمت راست آجرهای تراشدار و کاشی‌های الوان بسیار ممتاز نمایان شده‌اند که به علت اهمیت مکان آنها بدان اشاره شد. (۹)

خانم دیولافوای فرانسوی نیز می‌نویسد: (۱۰) «ضمن گردش در شهر تبریز در ۱۷ آوریل ۱۸۸۱ به عمارت ارگ قدیمی برمی‌خوریم، این بنای با عظمت که ۲۵ متر ارتفاع دارد، در مرکز میدان وسیعی قرار گرفته است». دیولافو فقط شرح می‌دهد و به نوشته‌های دیگران کاری ندارد و فقط اشاره می‌کند که یک کارخانه توپ‌ریزی در آنجا وجود دارد که امروزه مخروبه است.

از محققان معاصر نیز آقای «دونالدویلبر» در سال ۱۳۱۷ شمسی از نزدیک بنای جامع علیشاه را بررسی می‌کند ولی چون تحقیقاتش با نوشته‌های پیشینیان تطبیق نمی‌کند، در سال ۱۳۱۹ دوباره ارگ علیشاه را بررسی می‌کند و براساس نوشته‌های گذشتگان طرحی تخیلی از مسجد علیشاه ترسیم می‌نماید و در گزارش خود می‌نویسد:

«هالی، این محل را ارگ می‌نامند ولی نام صحیح آن مسجد جامع علیشاه است. و کتابها و منابع متعددی درباره این ساختمان موجود است و نشان می‌دهد که دیوارهای موجود در حقیقت دیوار ایوان طاقداری است که عنصر اصلی مسجد علیشاه به شمار می‌رفته است».

آنگاه با اعتماد بر نوشته‌های حمداله مستوفی، شاردن، ابن بطوطه و کاتب چلبی (۱۱) طرحی خیالی از بنای مسجد ارائه کرده و می‌نویسد در این نقشه دو ناحیه هاشور خورده براساس متون تاریخی کشیده شده‌اند که عبارت از بقایای موجود، بنای اصلی و بقایای موجود تجدید ساختمان اولیه است می‌باشند. تعمیراتی که بعمل آمد شامل تجدید بنای سمت چپ و پر کردن دهنه سردر می‌باشد. درباره تزئین داخلی سطوح دیوار ایوان اطلاعاتی می‌دهد ولی به آن اندازه نیست که بقدر کافی بدست دهد. وی افزاید که جوان مصری (ابن بطوطه) مشاهده کرده است که طاق نوک تیز محراب بوسیله دو ستون مسی اندلسی نگاهداشته می‌شده و قاب محراب با طلا و نقره تزئین و نقاشی شده بوده است. سپس ویلبر ادعا می‌کند که احتمال می‌رود آنچه ابن بطوطه دیده است محراب سفالین بوده که جلای فلزی داشته است.

وی ادامه می‌دهد که بر سطوح دیوارهای آجری داخلی سوراخهای چوب بست در فواصل منظم دیده می‌شوند، سوراخهای دیگر بر سطح دیوار وجود دارند ولی تعداد آنها به اندازه‌ای نیست که بتوان آنها را نقاط اتصال

- تهران، ۱۳۳۶.  
 ۶- بدرالدین محمود عینی؛ عقدالجهان.  
 باربارو، ژوزفا؛ سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری.  
 خوارزمی؛ تهران، ۱۳۴۹.  
 ۷- کاتب چلبی؛ جهان‌نما.  
 ۸- شاردن، ژان؛ سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمدعلی عباسی، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۵.  
 ۹- نادر میرزا قاجار؛ تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه، تبریز، تهران، ۱۳۲۳.  
 ۱۰- دیولافوا، ژان؛ سفرنامه دیولافوا، ترجمه بهرام فردوسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.  
 ۱۱- معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان.  
 ۱۲- همان کتاب.

۱۳- مناسبانه در صفحات ۲۴۷ و ۲۴۹ این کتاب دو تصویر چاپ شده است که با حقیقت وفق نمی‌دهد. هر دو تصویر مربوط به ۳ قطعه ستون است که در تابستان ۱۳۵۰ که اینجانب مشغول کاوش در این محل بودم توسط بلیط فروش ارگ علیشاه به دستور اداره فرهنگ و هنر از مکان دیگری به منظور نگهداری به محل ارگ علیشاه انتقال داده شدند ولی آقای کارنگ بدون تحقیق در این باره ضمن تهیه تصاویری از این سه ساقه ستون نوشت: «سه قطعه از ستونهای سنگی مسجد علیشاه که از زیر خاک درآمده» و در جای دیگر نوشت: «ستونهایی که اخیراً توسط حفاری اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی از زیر خاک در آمده است». در حالیکه چنین نیست و همین اشتباهات قلمی اند که باعث نقل قول نادرست و موجب سوء تفاهم در تحقیقات بعدی می‌گردند.

ب: بنا در اصل در دو مرحله جداگانه و با دو پلان جداگانه ساخته و در هر دو مرحله ناتمام رها شده است و هرگز به مرحله کاربری نرسید.  
 پ: بخش شمالی قدیمی تر از بخش جنوبی است و در اصل بخش جنوبی را به بخش شمالی بعدها افزوده‌اند.  
 ت: شاید بتوان مسجد تاج‌الدین علیشاه را در واقع نمازخانه‌ای الحاقی به جبهه شرقی بخش شمالی دانست که کتیبه "الصلاة معراج المؤمن" را داشت.  
 ث: شواهد باستان‌شناسی نشان داده‌اند که بی تردید بنا در دوران اوایل قاجاریه ارگ و کارگاه توپ‌سازی بوده است.  
 ج: پلان بنای جبهه جنوبی در تعارض با پلان مسجد می‌باشد و از زمان احداث تا اوایل قاجاریه به علت ناتمام رها کردن بنا کاربری آن مجهول می‌باشد ولی بی تردید مسجد هم نبوده است.

**پی‌نوشت**

- ۱- ویلبر، دونالد؛ معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه دکتر عبدالله فریار، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۶.  
 - پوپ، آرتورا بهام؛ معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، نشر انزلی، ارومیه، ۱۳۶۶.  
 ۲- آق‌سرای، محمود بن محمد؛ تاریخ سلاجقه یا مسایرة‌الاخیار و مسامرة‌الاخیار؛ به کوشش عثمان توران، اساطیر، تهران، ۱۳۶۲.  
 ۳- منشی کرمانی، ناصرالدین؛ تاریخ وزراء، به کوشش عباس اقبال، اساطیر، تهران، ۱۳۶۲.  
 ۴- ابن بطوطه؛ سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۴۸.  
 ۵- مستوفی، حمدالله، نزهت القلوب؛ به کوشش دبیرسیاقی، طهوری،

**سید محمد بهشتی:**

**کمر به تخریب ارگ علیشاه بسته‌اند**

تنها ایوان آن باقی‌مانده است.

لوچنگیز و آنها مغول‌ها بودند. حال ما که تا این اندازه از خدا و پیغمبر و قرآن می‌کشم، باید این گونه رفتار کنی و می‌افزود: ارگ علیشاه تنها حکایت از دیداری

سندهی است بر دعوت ما به دینداری کسانی چون چنگیز در تمام شهر تبریز، شهری که بر اثر زلزله بسیاری از آثار خود را از دست داده است، چند اثر تاریخی دیگر داریم: علیشاه باید تخریب شود. چرا هم ارگ علیشاه نباشد و هم سید محمد بهشتی گفت: «به رغم اینکه متولیان

مصلحان اعلام می‌کنند هیچ آثار تاریخی در ارگ علیشاه ندارد. هنگام عملیات تخریب وقتی با بولدوز به س افتادند. به جرزهایی به ضخامت ۲ متر رسیدند. پس جرزها آثار تاریخی نبود. چه بوده؟»

وی در پاسخ به این پرسش که آیا تاکنون سازمان میراث شکایتی را در این باره به مراجع قضایی شکایت ما پذیرفته؛ شکایت ما پذیرفته؛ پذیرفته!

در اواخر به‌دفعه نظر کار با تشکیل مصلحتی خود دادگستری روضه اهدان ارگ به وی مامور به تاریخ ارگ به سازمان میراث فرهنگی کشور خواستاری کرد گفت: جدی مطرح شد که سازمان میراث فرهنگی کشور خواستاری محل، قبل از هرگونه ساختن می‌شد. اما سازمان میراث فرهنگی در ۲۹ خرداد سال ۱۳۷۷ مصلحتی در ۲۹ خرداد سال ۱۳۷۷ بدون اعتنا به درخواستی بناهای مسجد پادشاهی میراث فرهنگی

هنر، مهندس محمد بهشتی، رئیس سازمان در نشست مطبوعاتی در شهر تبریز می‌ترین آثار باستانی مربوط

تاریخی گفت: ساخت، زود، بی خود

شکایات ماتبه به‌خند سلاهبودن ارزش‌های انقلاب دادیم. اما ما هنوز هم با ارزش مقاومت کرده‌ایم و حرمت و رعایت برخی اصول حیطه مسائل سیاسی بوده است، و گرنه با مطبوعات سخن می‌گفتیم.

رژت فرهنگی گفت: هابا تبدیل ارگ علیشاه نباشد ولی مسجد رصیح می‌دقیق. حال متانده

استیم. ولی این تبدیل صورت‌ها علیشاه نباشد ولی مسجد رصیح می‌دقیق. حال متانده

منظر و صورت بنای مشهور ارگ و سال یکم ۱۳۷۷

دوشنبه ۱ تیر ۱۳۷۷

مجموعه آثار خواستاری

مجموعه آثار خواستاری

مجموعه آثار خواستاری

**خاتمی خواستار گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه شد**

بازرسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی

سید محمد خاتمی رئیس جمهوری با ارسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی خواستار ارسال گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه تبریز شد.

بازرسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی خواستار ارسال گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه تبریز شد.

بازرسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی خواستار ارسال گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه تبریز شد.

بازرسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی خواستار ارسال گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه تبریز شد.

بازرسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی خواستار ارسال گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه تبریز شد.

بازرسال نامهای به‌سازمان میراث فرهنگی خواستار ارسال گزارش دقیق در مورد تخریب ارگ علیشاه تبریز شد.

**چرا هم ارگ علیشاه نباشد و هم مسجد**

رئیس سازمان میراث فرهنگی، مسجد تاریخی تبریز را بی جهت خواب کردند

رئیس سازمان میراث فرهنگی، مسجد تاریخی تبریز را بی جهت خواب کردند

رئیس سازمان میراث فرهنگی، مسجد تاریخی تبریز را بی جهت خواب کردند



گزارش دقیقی برای وی بفرستند. گفت: ترمیم مصالحها و گفت و گو ماند مورد ارگ علیشاه تبریز رئیس جمهوری با ارسال نامهای از سازمان میراث فرهنگی خواست در مورد این ارگ